



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

مقایسه کوروش بزرگ و پادشاهان پیش از خود

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۳ تیر ۱۳۹۲ ۵۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

مقبره کوروش بزرگ سناخریب، پادشاه آشور که جلگه‌ی پر ثروت شوش را میدان تاخت و تاز خود قرار داده است می‌گوید: «سی و چهار دژ و شهرهای بی شماری را که تابع آنها بودند، من محاصره کردم و به یورش گرفتم و مردم آنها را به اسیری بردم و آنها را ویران و به تل خاکستری ساختم و دود آتش آنها را مانند دود قربانی بزرگ به پهنه‌ی وسیع آسمان بلند کردم.» آشور بانی پال، پادشاه ستمگر دیگری از همین سلسله، ویران کردن ایلام پر برکت را چنین بیان می‌کند: «من از شهرهای ایلام آن اندازه ویران کردم که برای گذشتن از آنها،



مقبره کوروش بزرگ

سناخریب ، پادشاه آشور که جلگه ی پر ثروت شوش را میدان تاخت و تاز خود قرار داده است

می گوید : « سی و چهار دژ و شهرهای بی شماری را که تابع آنها بودند ، من محاصره کردم و به یورش گرفتم و مردم آنها را به اسیری بردم و آنها را ویران و به تل خاکستری ساختم و دود آتش آنها را مانند دود قربانی بزرگ به پهنه ی وسیع آسمان بلند کردم. »

آشور بانی پال ، پادشاه ستمگر دیگری از همین سلسله ، ویران کردن ایلام پر برکت را چنین بیان می کند :

« من از شهرهای ایلام آن اندازه ویران کردم که برای گذشتن از آنها ، یک ماه و بیست و پنج روز زمان لازم است .

همه جا برای بایرکردن زمین ، نمک و اعضای خاندان سلطنتی را از پیر و جوان ، با رؤسا و حکام و اشراف و صنعتگران

، همه را با خود به اسیری به آشور آوردم . مردم آن سرزمین را از زن و مرد با اسب و قاطر و الاغ و گله های چهارپایان کوچک و بزرگ ، که شمار آنها از دسته های ملخ فزون تر بود ، به غنیمت گرفتم و خاک شوش ، مادکتو و هلمتاش و شهرهای دیگر را به آشور کشیدم. در ظرف مدت یک ماه تمام ایلام را به چنگ خود درآوردم . بانگ آدمیزاد و اثر پای گله ها و چهارپایان، و نغمه ی شادی را از کشتزارها برانداختم ، و همه جا را چراگاه خران و آهوان و جانوران وحشی گوناگون ساختم. « (1)

...

اما هرگز بر خاطر پادشاهان آشوری نمی گذشت که این کارها ، کار آدمی نیست و سراسر توحش است . این ویژگی ، در تمام دنیای خاور زمین وجود داشت . حتی یهوه خدای بنی اسرائیل نیز ، خونریزی و کشتار همگانی را دوست می داشت . برای راستینش این مدعا می توان به کتاب اول شموئیل ، فرگرد 15 ، آیات 3 و 4 و فرگرد بیست و هشتم و بیست و نهم و سی ام رجوع کرد.

در مقایسه با چنین پادشاهان و چنین امر شایعی است که ما متوجه می شویم ، به حق و به شایستگی به کوروش فرنام « شبان خدا » داده شده است و بی سبب نبوده که مردم ، بیش از هر کشورگشای دیگری او را دوست می داشته اند . بیشتر پادشاهان خاور باستان برای جلوگیری از شورش و استوار ساختن پایه های نظم و امنیت و شهریار در میان ملل غیر متجانسی که یوغ فرمانروایی آنها را به گردن داشتند، به کشتن و شکنجه کردن دست می زدند . آشور بانی پال ، افتخار می کند که سه هزار نفر اسیر سوزانده، و دست و پای رؤسای قبایل و کارمندان دولتی را بریده، (2) و یا زبان بدخواه دشمنان را بیرون کشیده، و اعضای بریده ی آنها را به خورد سگان و گرگان داده و با این کار مایه ی شادی خدایان بزرگ را فراهم ساخته است. و یا بناهایی که برافراشته است از جسد آدمیانی است که سر و دستشان را بریده است.(3)

اما افتخار شاه پارسیان در این بود که : « بی جنگ و ستیز وارد بابل شدم . . . لشکر بزرگ من به آرامی وارد بابل شد . . . من از ویرانی خانه های آنها جلوگیری کردم . نگذاشتم رنج و آزاری به مردم شهر وارد آید نگذاشتم اهالی از هستی ، نیست شوند. « یکی از بزرگترین ارکان سیاست و شهریار و ی آن بود که برای ملل و اقوام گوناگونی که اجزای شاهنشاهی ایران را تشکیل می دادند ، به آزادی باور دینی و پرستش باورمند بود . (4) امری که هنوز در هیچ یک از کشورهای کوچک و بزرگ جهان که دم از آزادی و دموکراسی می زنند تحقق نیافته است ، و این خود می رساند که در آن هنگام که به گفته ی ولتر : « روم دهکده کوچکی بود که به چاپیدن همسایگان خود اشتغال داشت و فرانسه و آلمان و انگلستان سرزمین قبایل وحشی ای که هنوز از حال چادر نشینی بیرون نیامده بودند. « و آمریکا جز قاره ی دورافتاده ای که مردمش در نهایت توحش به سر می بردند نبود ، مردی در خاور زمین ، پارسی پسر پارسی ، آریایی از نژاد آریایی شهریار می کرد که به رازهای سلطنت و فرمانروایی بیش از سیاستمداران بزرگ قرن بیستم آگاه بود و می دانست اصل نخست حکومت کردن بر مردم ، احترام گذاشتن به باورها و باورهای دینی و هازمان آنهاست ، اعم از اینکه سیاه یا سفید ، زرد یا سرخ باشند . به همین روی ، هرگز شهرها را چپاول نمی کرد

، و پرستشگاه ها را ویران نمی ساخت . به خدایان ملل شکست خورده به چشم احترام می نگریست ، و برای نگاهداری پرستشگاهها ، به مردم خویش کمک و همکاری می کرد.

کوروش پیک شادی و آزادی و برکات لایزال الهی به سوی مردم بود . خداوند ، در تورات همه جا از او به مثابه ی یک ناجی و فرستاده ی بزرگ نام می برد ، و اسیران یهود را از اسارت بابل رها می سازد،(5) و انصاف را برای امت ها صادر می نماید ، فرستاده ای که شبان خداست ، شادی خداوند را برخواهد آورد و پرستشگاه جدیدی برای بنی اسرائیل بنیاد خواهد نهاد . به خاور و باختر گیتی خواهد رفت و نام خدای یکتا را به گوش همه خواهد شنواید . (6) بلی چنین است ماجرای زندگی و پیروزی ها و دادگری ها و بزرگواری ها و فروزه های پسندیده و منحصر به فرد اخلاقی مردی که دوهزار و پانصد سال پیش از این از پارس برخاست.

برگرفته از کتاب : کوروش کبیر ... نوشته دکتر فریدون بدره ای

پیش نویس ها :

1- به گفته ویل دورانت

2- همان

3- همان

4- مشرق زمین و گاهواره تمدن، ص 519

5- کتاب ارمیاء باب 29.

6- کتاب اشعیاء باب 41، 42، 44

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «مقایسه کوروش بزرگ و پادشاهان پیش از خود»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1293/pdf/کوروش-بزرگ-و-دیگر-پادشاهان>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵

